

● نقد و معرفی کتاب

الگوهای اعتمادسازی در منطقه خلیج فارس

طاهره ابراهیمی فر، *الگوهای اعتمادسازی در منطقه خلیج فارس* (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۸۱)، ۳۰۴ صفحه.

جمهوری اسلامی ایران که خود همواره متحمل زیان‌ها و خسارت‌های مادی و معنوی زیادی به دلیل فقدان امنیت و اعتماد در منطقه شده است با درک ضرورت فوق، روند تشنج‌زدایی و اعتمادسازی را آغاز نمود که روند مزبور پس از روی کار آمدن آقای خاتمی در قالب یکی از سیاست‌های راهبردی کشورمان تجلی یافت. این سیاست کشورهای منطقه خلیج فارس را به عنوان اولین و مهم‌ترین مخاطبان خود مورد توجه قرار داد که تاکنون ثمرات ارزشمند زیادی را در سطوح مختلف به خصوص سطح منطقه‌ای به همراه داشته است به طوری که گسترش بی‌نظیر روابط با کشورهای عضو

۱. منظور از منطقه خلیج فارس، کشورهای ایران، عراق و کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس می‌باشند.

جهان پر آشوب و خطر خیز امروز، اکنون بیش از همیشه به صلح و ثبات و امنیت پایدار که لازمه توسعه در زمینه‌های مختلف اجتماعی و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز می‌باشد، نیازمند است و منطقه استراتژیک، مهم و حساس خلیج فارس^۱ از این امر مستثنی نمی‌باشد. این منطقه فقط در طول یک دهه شاهد دو جنگ ویرانگر بوده است. تجربیات گذشته نشان داده است که حضور بیگانگان نه تنها باعث ایجاد امنیت و ثبات نشده بلکه موجب پدید آمدن مسائل و مشکلات بسیاری نیز شده است. از اینرو کشورهای منطقه باید خود حافظ امنیت و ثبات باشند. دانشمندان، سیاست‌مداران و فلاسفه زیادی بر این باورند که برای اجتناب از جنگ باید اعتمادی متقابل میان کشورها وجود داشته باشد.

مؤلف محترم ضمن توضیحی راجع به پدیده جهانی شدن، تأثیر آن را بر روند اعتمادسازی در منطقه خلیج فارس مورد مطالعه قرار می‌دهد و نتیجه می‌گیرد به دلیل این که قدرت تولیدی کشورهای منطقه در شرایط فعلی محدود و ضعیف می‌باشد، لذا ضروری است کشورهای منطقه با همکاری یکدیگر و با اجماع نظر هماهنگ در مفهوم و ماهیت توسعه و ثبات و تفاهم متقابل از ورود منطقه در چرخه‌های بی‌ثباتی، تنش، بحران و جنگ جلوگیری نمایند که اقدامات اعتمادسازی می‌تواند تحقق این امر را میسر سازد.

عنوان فصل دوم، عوامل تنش‌زدا در منطقه خلیج فارس می‌باشد.

بدیهی است که انجام اقدامات عملی برای ایجاد اعتماد در منطقه مستلزم شناخت عمیق عواملی است که موجب بروز تنش و بحران در بین کشورهای منطقه می‌گردد. از اینرو مهم‌ترین شاخص‌های عوامل تنش‌زا در سه بخش مورد بررسی قرار گرفته است:

۱. منافع متعارض: مهم‌ترین ناسازگاری‌هایی که موجب تنش در منطقه می‌گردد مورد بحث قرار گرفته است. مانند جهت‌گیری‌های متفاوت در سیاست خارجی و مناقشات ارضی و مرزی.
۲. تحركات سیاسی - اجتماعی داخلی: مانند اختلافات درون حکومتی، فرایند سیاسی،

شورای همکاری خلیج فارس در همین راستا قابل ارزیابی است. بدیهی است سیاست راهبردی فوق برای موفق‌تر عمل نمودن و مؤثرتر واقع شدن، نیازمند تحقیق و بررسی بیشتر می‌باشد. مرکز مطالعات خلیج فارس و خاورمیانه دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی یکی از رسالت‌های خود را در جهت غنای فکری و علمی سیاست فوق‌الذکر جستجو می‌نماید و برای تحقق عملی آن اقدام به تعریف اولویت‌های پژوهشی در این راستا و اجرای طرح‌های تحقیقاتی نموده و می‌نماید. کتاب حاضر نیز یکی از نمونه‌های پروژه‌های مذکور می‌باشد. همچنین این مرکز از همکاری با اساتید، محققان و پژوهشگرانی که در زمینه مطالعات منطقه خلیج فارس و خاورمیانه فعالیت می‌کنند، استقبال می‌کند.

کتاب حاضر پیدا نمودن الگوها و ابزارهایی برای مهار ترس و عنصر بی‌اعتمادی در منطقه خلیج فارس را در دستور کار خود قرار داده است و راه‌کارهای ممکن برای برقراری فرایند اعتمادسازی در این منطقه را بررسی نموده است. این کتاب شامل یک مقدمه، هشت فصل و یک نتیجه‌گیری می‌باشد که هر فصل نیز خود دارای مقدمه و جمع‌بندی است.

عنوان فصل اول عبارت است از: "تعاملات و چالش‌های امنیتی" در این فصل

اقدامات اعتماد و امنیت سازی آورده شده است. در ادامه تعریف، ماهیت و نقش اعتمادسازی توضیح داده شده است. در قسمت بعد ضرورت اعتمادسازی در منطقه خلیج فارس با ذکر ۱۱ مورد تشریح شده است و بالاخره در قسمت آخر فصل به برخی از پیش نیازهای موفقیت مشارکت و اثرات اساسی آن اشاره شده است.

عنوان فصل پنجم "موانع اعتمادسازی در منطقه خلیج فارس" می‌باشد. در این فصل موانع عمده اعتمادسازی، نحوه و چگونگی ایجاد این موانع که فرایند اعتمادسازی را در منطقه با مشکل مواجه می‌سازد را در دو قسمت مورد بررسی قرار داده است. موانع درون منطقه‌ای اعتمادسازی و موانع فرامنطقه‌ای اعتمادسازی.

از جمله موانع درون منطقه‌ای که درباره آنها بحث شده است عبارتند از: تمایزات فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، اختلافات ارضی و مرزی، برداشت‌های متفاوت از امنیت و اقدامات اعتمادسازی، فقدان گفتگو و اطلاعات جامع از کشورهای همسایه و فقدان اجتماع کارشناسان و پدیده ناسیونالیسم. موانع فرامنطقه‌ای عبارتند از: آمریکا، اسرائیل، و جنگ خلیج فارس.

فصل ششم با عنوان "الگوهای اعتمادسازی در منطقه خلیج فارس" در واقع

مسأله جمعیت.

۳. مسأله تسلیحاتی.

فصل سوم کتاب "عوامل مشترک در منطقه خلیج فارس" را مورد بررسی قرار داده است.

عوامل زیادی وجود دارد که منطقه خلیج فارس را یک مکان منطقی برای اقدامات اعتمادسازی نموده است گرچه در نگاه اول اختلافات بارزتر می‌نماید، لکن زمینه‌های همکاری در بسیاری از موارد نیز وجود دارد. مهم‌ترین قاعده برای پیوندها و همکاری‌ها تکیه بر مشترکات موجود است. لذا در این فصل سعی شده اشتراکات کشورهای منطقه و زمینه‌های همکاری موجود به طور اجمال بررسی شود که برخی از این مشترکات عبارتند از: "تزدیکی جغرافیایی، نفت به عنوان اصلی‌ترین منبع درآمد، اسلام به عنوان دین رسمی مردم منطقه، وجود دشمن مشترکی به نام اسرائیل، سهیم بودن در خطرات محیط‌زیست و مسأله آب.

در فصل چهارم با عنوان "ضرورت و اهمیت اعتمادسازی در منطقه خلیج فارس" ابتدا تاریخچه اعتمادسازی بیان شده سپس دوره‌های مختلف اعتمادسازی (سه دوره) توضیح داده شده است. سپس ویژگی‌های مشترک و تفاوت میان اقدامات اعتمادسازی و

بحث اصلی کتاب را در خود جای داده است. مؤلف محترم در این فصل ۱۰ مورد از الگوها و اقدامات اعتمادسازی که امروزه متداول می‌باشد را مورد بررسی قرار داده است که عبارتند از: "الگوهای اعتمادسازی در زمینه‌های: امنیت، صلح، تجارت، پول و سرمایه‌گذاری، منابع استراتژیک، اجتماعی - اقتصادی، زیست محیطی، نفت، دریاها و اقیانوس‌ها، هوانوردی، حقوق بشر. همچنین به چند الگوی عملی نیز اشاره می‌کند مانند: جامعه کشورهای عربی و سازمان کشورهای امریکایی.

در فصل هفتم با عنوان: "ابزارهای اعتمادسازی در منطقه خلیج فارس" علاوه بر تأکید بر منطق به کارگیری ابزارهای اعتمادسازی، مهم‌ترین ابزارهای موجود برای ایجاد اعتماد در منطقه نیز مورد بررسی قرار گرفته است که عبارتند از: مذاکره، تحقیق، مساعی جمیله، داوری، حل و فصل قضائی، میانجی‌گری، ترتیبات منطقه‌ای و گفتگوی تمدن‌ها.

عنوان فصل هشتم، "راه کارهای عملی در روند اعتمادسازی در منطقه خلیج فارس" می‌باشد. به منظور ارائه راهکارهای عملی اعتمادسازی هشت نوع از تدابیری که برخی از

آن‌ها مورد استفاده قرار گرفته‌اند در این فصل آورده شده است که عبارتند از: ارتباط نزدیکتر مقامات سیاسی کشورهای منطقه، ایجاد تریبون منطقه‌ای، ایجاد کانون پژوهشگران خلیج فارس، همکاری‌های صمیمانه تر رسانه‌های گروهی و شبکه‌های رایسانه‌ای. فعال سازی تبادلات فرهنگی، تقویت همکاری‌های اقتصادی، کنترل تسلیحات و تقویت روحیه وابستگی درون گروهی.

در بخش پایانی کتاب (نتیجه‌گیری) مطالبی آورده شده که در واقع مکمل بحث‌های قبلی است، از جمله اشاره به برخی از تدابیری که می‌تواند پیچیدگی‌های موجود در خلیج فارس را هموار و مرتفع سازد مثل: روند دیپلماتیک، کنترل تسلیحات، تبادلات فرهنگی، بالاخره مبحث حاضر با جمله زیر به پایان می‌رسد: برای تبدیل منطقه خلیج فارس به یک منطقه صلح باید "حسن نیت" جایگزین "سوء نیت" شود و جز این امروزه چیز دیگری در منطقه خلیج فارس مورد نیاز نیست.

محمدرضا درستی خالدی

مرکز مطالعات خلیج فارس و خاورمیانه